

پیش

225

100

1

100

دست



www.ketab.ir



عبدل الهی

محمود لطیفی



نشر معروف



سرشناسه : لطیفی، محمود، ۱۳۳۱ - ، گردآورنده / عنوان و نام پدیدآور : چهل حدیث عدل الهی / مولف محمود لطیفی. / مشخصات نشر : قم: نشر معروف، ۱۳۹۴. / مشخصات ظاهری : 80 ص. / شابک : 9786006612560 / وضعیت فهرست نویسی : فیفا / موضوع : اربعینات -- قرن ۱۴ / موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴ / موضوع : عدل الهی / رده بندی کنگره : / ۱۳۹۴ چ ۸۸۴ ل / BP۱۴۳/۹ / شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۳۰۳۷ / رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸ /

عنوان : چهل حدیث عدل الهی

مؤلف : محمود لطیفی

ناشر : معروف - قم

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : اول / بهمن ۱۳۹۷

چاپخانه : بوستان کتاب / قم

قیمت : ۵ تومان

شابک : 978-600-6612-56-0

| قم | خیابان مصلاي قدس | بین ک ۶۰۴ | پلاک ۴۸۲ |

| تلفکس: ۳۲۹۲۶۱۷۵ ۰۲۵ | تلفن: ۳۲۹۳۹۱۴۰ ۰۲۵ |

| www.marooof.org | Email: nashremarooof@gmail.com |



فهرست

۱۰	 مقدمه
۱۰	 جایگاه عدل در معارف اسلامی
۱۱	 معنای عدل
۱۲	 عدل الهی
۱۳	 راز تفاوت‌ها
۱۵	 قضا و قدر، جبر و اختیار
۱۶	 خلاصه‌ی سخن

فصل اول

عدل چیست؟

۱. سنگ بنای هستی..... ۱۹
۲. قوام اجتماع..... ۲۰



۳. ترازوی خدایی ۲۱
۴. عدل یا جود؟ ۲۲
۵. شیرین و خوشبو ۲۳

فصل دوم

خدای عادل

۶. دادگر حکیم ۲۶
۷. داور دادگر ۲۷
۸. اساس دین ۲۸
۹. فراتر از توهم و ابهام ۳۰
۱۰. مرز شناخت ۳۱
۱۱. منزله از شتابزدگی و ستم ۳۲

فصل سه

عدل در هستی

۱۲. هر چیزی در جای خود ۳۴
۱۳. نظام بخش آسمان و زمین ۳۵
۱۴. نقشه‌ی جامع ۳۶
۱۵. هستی در پوشش عدل ۳۷
۱۶. جهان زمانمند و نظاممند ۳۹
۱۷. عدل حیاتبخش ۴۰



فصل چهار

هدایت و اضلال الهی

۱۸. بر سر دوراهی ۴۴
۱۹. خشنودی و خشم ۴۵
۲۰. توانایی و ناتوانی ۴۶
۲۱. توفیق و توهین ۴۷

فصل پنج

بلاها و مصیبت ها

۲۲. خیر خواه است او ۵۰
۲۳. هر آنچه او پسندد ۵۱
۲۴. همه چیز برای امتحان ۵۲
۲۵. میدان آزمون ۵۳
۲۶. هر چه کنی به خود کنی ۵۵
۲۷. هر چه از دوست رسد نیکوست ۵۶

فصل شش

قضا و قدر و بدا

۲۸. باور به قضا و قدر ۵۸
۲۹. سرنوشت ۵۹
۳۰. از تو عطا از من خطا ۶۱

۳۱. هندسه‌ی هستی ۶۲
۳۲. از عدم تا به وجود ۶۴
۳۳. ثابت و متغیر ۶۵
۳۴. بدا! تغییر سرنوشت ۶۷

فصل هفت

جبر، تفویض و اختیار

۳۵. همه جبر، پوشش تقدیر الهی ۷۰
۳۶. فراط و نه تفریط ۷۱
۳۷. نه جبر و نه تفویض ۷۳
۳۸. ابزاری دوکاره ۷۵
۳۹. توانمند بر ناخواسته‌ها ۷۷
۴۰. سه کار و سه نتیجه ۷۸

قال الله تبارك وتعالى :

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَدِينَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ
قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْغَنِيُّ الْحَكِيمُ

مقدمه

جایگاه عدل در معارف اسلامی

در منظومه معارف اعتقادی اسلام اصل عدل پس از اصل توحید قرار دارد. توحید باور به یکتایی خداوند و عدل شیوه و سبک ربوبیت و حاکمیت خداوند بر عالم هستی است. خدای عالم، هستی را بر اساس عدل آفریده، به شیوه عدل تدبیر می‌نماید.

«در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه به محور عدل استوار شده است. عدل قرآن، همدون توحید، رکن معاد، هدف تشریع نبوت، فلسفه‌ی زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است. عدل قرآن، آنجا که به توحید یا معاد مربوط می‌شود، به نگرش به هستی و آفرینش شکل خاص

می دهد و به عبارت دیگر، نوعی جهان بینی است؛ آنجا که به نبوت و تشریع و قانون مربوط می شود یک مقیاس و معیار قانون شناسی است. ♦ جای پایی برای عقل تادر ردیف کتاب و سنت قرار گیرد... آنجا که به امامت و رهبری مربوط می شود یک شایستگی است؛ آنجا که پای اخلاق به میان می آید، آرمانی انسانی و آنجا که به اجتماع کشیده می شود یک مسئولیت است»^۱.

معنای عدل

عدل در لغت به معنای برابری در شیئی غیر هم جنس آمده است و در عرصه های علمی به معنای توازن و تعادل بین اجزای مختلف یک مجموعه و قرار گرفتن هر چیزی در جایگاه بایسته و شایسته ی خود است. عدل در این معنا از شئون علم و حکمت الهی و برخی از کاربردهای قرانی و حدیثی با توجه به این معنا است. عدل در دانش حقوق به معنای رعایت حقوق افراد و دادن حق به ذی حق است و در مقابل ظلم و جور قرار دارد که به معنای تجاوز و تصرف نابجا در حقوق دیگران می باشد.

عدل در زبان فلاسفه و حکمای الهی به معنای رعایت استحقاق ها

۱. رک: عدل الهی، شهید مطهری: ۶۱

در افاضه‌ی وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت است به هر آنچه امکان وجود و یا کمال وجود را دارد. به این معنا که موجودات از نظر قابلیت‌ها و امکان و استعداد فیض‌گیری از مبدء هستی متفاوتند و هر موجودی متناسب با استعدادش، استحقاقی خاص به خود دارد. ظلم نیز در این معنای معنی منع فیض و امساک وجود از محلی که استحقاق دارد. از نظر حکمای الهی صفت عدل آن چنانکه این ذات پروردگار جهان و شیوه‌ی پروردگاری اوست و به عنوان صفت کمال برای او اثبات می‌شود این معناست.

عدل الهی

حکمای الهی - برخلاف اشاره - معتقدند که خدا عادل است، امانه از آن رو که عدالت نیک است و اراده‌ی الهی بر این است که کارهای نیک انجام دهد و یا اینکه، ظالم رشت است و خداوند نمی‌خواهد کار زشتی انجام دهد. همانگونه که منزله می‌اندیشند - بلکه از آن رو که خداوند چون حکیم و علیم و خبیر و قدر است، فیض او عام و بخشش او گسترده و شامل همه‌ی موجوداتی است که امکان هستی یا کمال هستی را دارند و بدون هیچ امساک یا تبعیض، با آفرینش حکیمانه‌ی او پای در هستی می‌گذارند.

نظام آفرینش قانونمند، حکیمانه، مدبرانه و عادلانه است و این نظام از بیرون عالم بران تحمیل نشده است. جهان همچون یک تابلوی نقاشی زیبا، رنگین، هنرمندانه و همانند معادله‌ی دقیق ریاضی است که هر نقش و نگاری و هر خط و عددی در جای خود نشسته و نقش آفرینی می‌کند. در این نگاه گرچه رنگ‌ها و خط‌ها و عدد‌ها متفاوتند اما هیچ یک بیجا نبوده و جابجا قرار نگرفته‌اند. پدیده‌های جهان محکوم یک سلسله قوانین ثابت و به تعبیر قرآن سنت‌های لا یتغیر الهی است. این سنت‌ها از نوع قوانین موضوعه‌ی بشری نیستند اما امکان تغییر یا تخلف در آن راه یابد. یکی از این قوانین فراگیر و لا یتغیر رابطه‌ی علت و معلولی بین پدیده‌ها و تناسب و سنخیت بین علت و معلول و سلسله‌ی طولی علل و معلولات است. عالم هستی بسان زنجیری بهم پیوسته است و هر موجودی در این سلسله جای مشخص و معلوم خود را دارد و همین، منشاء بروز و ظهور تفاوت‌ها و شکل‌گیری کثرت‌ها شده است.

راز تفاوت‌ها

در این منظومه‌ی رنگارنگ و متنوع اگر انسان خود را محور و

مقیاس ارزیابی‌ها ببینند، برداشت‌ها و تفسیرها تغییر می‌یابد؛ برخی پدیده‌ها سودمند و خوب و «خیر» و بعضی مضروب و «شر» نام می‌گیرند و زمینه‌ساز اعتراض به نظم و زیبایی و هدفمندی و عدالت در هستی می‌شوند. ولی در نگاه کلان و به هم پیوسته‌ی حکیم الهی اساساً جهان و موجودات جهان به دو دسته‌ی خیر و شر تقسیم نمی‌شود و آفریده‌ای که «نبایست» آفریده شده باشد و یا «بد» آفریده شده باشد وجود ندارد. در این نگاه همه چیز را زیبا و بجا و به اندازه و به صورت یک اندام واره‌ای موزون و روح‌نواز می‌توان دید که در آن، وجود پستی‌ها و بلندی‌ها، فرازها و نشیب‌ها، همواری‌ها و ناهمواری‌ها، تاریکی‌ها و روشنایی‌ها، رنج‌ها و لذت‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها لازمه‌ی شکل‌گیری تابلوی زیبای آفرینش می‌باشد.

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست

که هر چیزی به جای خویش نیکوست

در این نگاه شیطان و فریبکاری‌های او لازمه‌ی وجود اختیار در انسان است تا با قرار گرفتن او بر سر دوراهی، کمال وجودی خویش



را که منحصر از راه آزادی و اختیار و انتخاب به دست می‌آورد
متجلی سازد.

قضا و قدر، جبر و اختیار

و البته اختیار انسان به معنای فعال مایشاء بودن و اراده‌ای
فراتر از نظام علی و معلولی داشتن نیست، همانگونه که تقدیر
الهی به معنای حضور غیر حکیمانه‌ی خداوند در حوادث و
اتفاقات نمی‌باشد. خداوند حکیم عادل جهان را بر اساس نظامی
قانونمند آفریده و اداره می‌کند. هیچ پدیده‌ای بیرون از اراده و
مشیت او که همان سنت لایغیراوست نمی‌تواند تحقق یابد، و
همانگونه که هیچ حادثه‌ی طبیعی بدون علت مخصوص خود
روی نمی‌دهد هیچ کار ارادی انسان نیز بدون اختیار و انتخاب
انسان پدید نمی‌آید. خدا مقدر نموده است تا انسان دارای اراده و
اختیار باشد و بر سر دوراهی‌ها، یکی از عوامل و اسباب انتخاب
اراده و خواست انسان باشد.

قضا و قدر نیز این است که خداوند هیچ پدیده‌ای را بدون -
هندسه - اندازه و تقدیر و برنامه نمی‌آفریند. امکانات و عوامل و
اسباب مورد نیاز و از جمله خواست و انتخاب ارادی انسان دست

به دست هم می دهند «تقدیر» و هنگامی که اجزای علل توانستند «علت تامه» شوند فعل اختیاری پدید می آید و به تعبیر دیگر «قضا» و حتمیت می یابد.

خلاصه ی سخن

در قرآن کریم و سخن مفسران معصوم قرآن اصل عدل و حکمت، نظام عادلانه و حکیمانه ی جهان اثبات شده است بدون آنکه در توحید ذاتی باری تعالی خدشه ای وارد آید، اختیار انسان تایید شده است بدون آنکه دست و پای خدا بسته شود و اراده ی الهی مقهور خواست انسان تلقی شود. عدل و حکمت خداوند در سراسر هستی اثبات شده است بدون آنکه نتیجه اش مجبور شدن انسان در برابر قضا و قدر الهی باشد.

اکنون به یاری خدا همین مطالب را با اندکی تفصیل و در طی «چهل حدیث» طرح و از فروغ سخنان حجج الهی علیهم السلام در جهت فهم معارف اعتقادی جان خود را حیات و هدایت می بخشیم.

بِیْمَنِهِ وَبِیْمَنِهِ - معمودان فی